

اسلام

دین صلح است

به زور جام زهر!

پیداری

ماهنامه‌ی شماره‌ی ۹۶ کانون خردمداری ایرانیان
سال هفدهم - مرداد ۲۵۷۶ برابر ۱۳۹۶ عربی

اسلام

دین صلح است

بین دو جنگ!

مشیت ما دست کیست؟

پس از یورش اعراب به ایران سرنوشت ما افتاد دست مشیت الهی!

پس از جنگ جهانی دوم سرنوشت ما افتاد دست مشیت انگلیس!

پس از انقلاب اسلامی سرنوشت ما افتاد دست مشیت آمریکا!

مردمانی که مشیت خود را به دست این و آن و یا در آسمان جستجو می‌کنند سرنوشتی تلخ خواهند داشت و همواره با سختی زندگی خواهند کرد تا از بین بروند.

دکتر محمد علی مهر آسا

پاسخ به کتاب سراسر جفنگ «هارون یحیی» در باره‌ی معجزات قرآن!

هارون یحیی در این کتاب با پُرویی و کمال بی‌شرمی اعلام کرده است که انشتین دانشمند مشهور ریاضی و فیزیک که یهودی زاده بود و بر اثر دانشش دست از هر دینی شسته و آتئیست شده بود، مسلمان و شیعه شده است. او با وقاحت می‌نویسد انشتین چندین نامه به آیت‌الله بروجردی در قم نوشت و به او اظهار کرد که من در تشیع خیلی مطالعه کرده‌ام و می‌خواهم شیعه شوم. آیت‌الله نیز دستورهای لازم را برایش نوشت و او شیعه اثنی عشری از دنیا رفت. آری این است مسلمانی و این است اسلامی که متعصبانش نیز می‌توانند بزرگترین دروغ تاریخ را بگویند و در کتاب درج کنند و اگر کسی به این دیوانه‌ها ایرادی بگیرد بی‌هیچ دغدغه‌ی خاطری او را کافر لقب می‌دهند. البته صاحب این قلم بارها گفته و نوشته است که من کافرم و به کافر بودن خود نیز مینازم. ﷻ

سیاوش لشگری

سر لشگر عطاالله صالحی ننگ مجسم

چندی پیش خامنه‌ای دیداری داشت با جمعی از سران ارتش و سپاه، به روال معمول پیش از سخنرانی رهبر، فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی سرلشگر عطاءاله صالحی، افسر تحصیل کرده و دانشکده دیده باهمه‌ی یال و کوپال و درجه‌ها و مدال‌های نظامی‌اش خیردار جلوی خامنه‌ای آخوند پیزوری بی‌سواد مثل موش ترسیده ایستاد و چنین به مدح و ثنای او پرداخت.

«بسم الله الرحمن الرحيم، و اینک بانگ برمی‌داریم به توسل نادعلیاً مظهرالعجائب و جبهه عون لک فی النوائب کل هم و غم سینجلی به ولایتک یا علی، ما همه سرباز توایم خامنه‌ای، گوش به فرمان توایم خامنه‌ای و ادامه‌ی بیضه مالی»

مردک بی ریشه که سی و هشت سال است در برابر سرداران لات و لوت سپاه و بسیج تحقیر شده و حتا حقوقش به اندازه یک سردار ساده سپاه هم نیست به این
مانده در رویه‌ی ۳

پاسخ به کتاب سراسر جفنگ «هارون یحیی»

من بارها گفته‌ام هیچ دینی بار آسمانی و خدایی ندارد و دین‌ها را عده‌ای جاه طلب و تشنه‌ی جاه و مقام و ثروت به وجود آوردند و با تبلیغ و شمشیر بر مردم سوار کردند.

انشتین خدا را قبول نداشت و وقتی از او پرسیده بودند: «... نظرت در مورد خدا چیست...؟» پاسخ داده بود کدام خدا؟ همچنین در بستر مرگ وصیت کرده بود که مغزش را از کاسه سر بردارند و به آزمایشگاه بیولوژی بسپارند تا دانشمندان امریکا بر رویش تحقیق کنند و جسدش را نیز بسوزانند. ای نویسنده ابله! انشتین اگر مسلمان و شیعه شده بود چگونه جسدش را به آئین شما خاک نکردند و سوزاندند؟

زیرا او که در کهکشانها به غور و بررسی پرداخته و رموز کیهان بی انتها را دریافته بود، نمی توانست خدایی بیکاره را در این کیهان لایستهای فرض و او را سجده و تسبیح کند. اما کتاب می فرماید:

«او تحت تأثیر تلقینات و تبلیغات آیت الله بروجردی شیعه شد!» ای ننگ و نفرت بر شما مسلمانان دروغگو! ای ننگ بر آیینی که اکثر پیروانش همانند محتوای کتابش دروغگو و وقیحند! پرسش مهم این است چرا انشتین به مفتی مصر پیغام نداد که سنی شود و خواست شیعی گردد؟

حکومت شیعی حاکم بر ایران منبع و معدن دروغ و ریا و تزویر است، و این هم یکی از همان معرکه هاست! در کتاب هارون یحیا عنوانی هست به نام:

«نسیبیت زمان!»... و در این باره می نویسد:

«همه‌ی پیامبران معجزات خارق‌العاده‌ای برای امت خود داشتند. ولی معجز آخرین پیامبر یک کتاب است. امتی که در آینده زندگی خواهند کرد و به ظاهر دیگر فرصت ندارند شاهد هیچ معجزی از پیامبران همدوره خود باشند، این فرصت را خواهند داشت تا معجزات مختلفی را در این کتاب پیدا کنند»

«یکی از مطالب علمی فوق‌العاده جالب قرآن که شاید درک آن نیز مشکل باشد، مساله‌ی اختلاف زمان برای دو شیئی یا دو حالت مختلف است. به آیه زیر دقت کنید:»

تَعْرِجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ
«فرشتگان و روح الامین بالا می روند پیش او در روزی که معادل ۵۰ هزار سال است»

آقای هارون یحیی این معنا را با نسیبیت زمان و تئوری انشتین ربط داده است و با خدعه و نیرنگ و دروغ می‌خواهد ثابت کند محمد در ۱۴۰۰ سال پیش از فرضیه نسیبیت آگاه بوده است که روز معادل هزار سال را نوشته است! این ابله دیگر به این جفنگ

آیه توجه نکرده است که با دقت در معنا، معلوم می‌شود فرشتگان و روح الامین در روی زمین می‌زینند و در فلان روز به طرف الله عروج خواهند کرد. و این یعنی مهمل گویی و بی‌ان اراجیف یک مخبط دماغی؛ و این آیه نیز چون تمام متن قرآن حاصل ارتعاشات مغز یک دیوانه است!

سپس با نوشتن فرمولی ریاضی که تنها خودش می‌تواند از آن سر درآورد، سال قمری را در عدد به دست آمده ضرب کرده و عددی نزدیک به سرعت نور را کشف فرموده است! این ابله آگاه نیست که سال قمری هیچ ارزشی از نظر زمان ندارد. زیرا به طور مثال هر ۱۵ سال ماه رمضان یک بار به زمستان می‌افتد و یک بار به تابستان. یعنی هر ۱۵ سال مسلمانان یک ماه قمری در زمستان روزه‌اند و یک ماه قمری در تابستان!

در ضمن آقای (ع پ)!

هارون یحیی گویا مُرده است و در دسترس نیست که او را مورد پرسش قرار دهیم؛ اما خوشبختانه شما زنده‌اید و هستید. پس ممکن است بفرمایید فرشتگان کدامند و آیا شما یکی از آنان را دیده‌اید؟ آیا شما قادرید توصیفی از آنها را به ما بنمایانید؟ نه آقای مسلمان متعصب! فرشته نیز همچون الله لا وجود، موجودی ساخته‌ی مغز مریض و دیوانه محمد است.

افزون بر اینها، اگر قرآن کلام الله است پس معجز محمد نیست و معجزه الله محسوب می‌شود. و اگر آن را معجز محمد بدانیم پس باید به قطع و یقین باور داشته باشیم که این کتاب را محمد خود نوشته است و به مردم عرضه کرده است. یعنی باید کار خود محمد باشد تا معجز او تلقی شود. چنین نیز بوده و کتاب را محمد خود نوشته است. نه جبرئیلی وجود دارد و وجود داشته و نه وحی و الهامی آسمانی اتفاق افتاده است. یک مغز معیوب ترهاتی به هم بافته است سراسر دروغ.

بیش از ۹۰٪ قرآن دروغ محض است و برگرفته از تورات است و یهودیان نیز آنها را از کتیبه‌های ۵ هزار سال پیش استخراج کرده و در کتابشان نوشته‌اند. بقیه نیز نوشته‌هایی سخیف و اراجیف است.

رابرت دنیرو: در جنگ سربازهایی را دیدم که مردم را از خانه‌هایشان بیرون می‌کشیدند رویشان بنزین می‌ریختند و آتش شان می‌زدند، به زنها و دخترهای جوان تجاوز می‌کردند، سر مرد ها را با تبر از وسط می‌شکافتند و همانطور رهایشان می‌کردند تا جان بدهند. آنجا بود که به خود گفتم حتماً باید خدای توانایی وجود داشته باشد، چون بشر به تنهایی نمی‌تواند از پس این همه شرارت برآید.

شهرام شفیعی

سرلشگر عطاءاله صالحی، ننگ مجسم مانده از رویه‌ی نخست

حامد عبدالصمد

زوال جهان اسلام (۱)

معرفی - حامد عبدالصمد پسر امام مسجد مصر است که در سن ۱۲ سالگی نیمی از قرآن را حفظ بود.

او پس از پایان دانشگاه قاهره در رشته‌های زبان انگلیسی و فرانسوی در ۲۳ سالگی به آلمان رفت و به تحصیل در رشته علوم سیاسی پرداخت و پایان رسانید. نخستین کتاب او «وداع من با آسمان» بود و کتاب «زوال اسلام» آخرین کتاب اوست که آقای داریوش بی‌نیاز آن را به فارسی ترجمه کرده است. چکیده بخش‌هایی از کتاب را در بیداری خواهید خواند.

همه‌ی فرهنگ‌های بزرگ به اجبار فرآیند شکوفایی تا فروپاشی را طی کرده‌اند از فراغنه مصر تا یونانیان هلنیستی و رومی‌ها تا امپراطوری عثمانی، مرحله‌ی آخر هر تمدنی خود را با بی‌هویتی و انجماد همه‌ی حوزه‌های زندگی مشخص می‌کند، ستیز بین تمدنها و جنگ‌های ویرانگر با انحطاط اخلاقی و رخوت توأم خواهد شد، محو تدریجی علاقمندان به فرهنگ، مرگ هنر، و جا افتادن فرهنگ نان و بازی (مصرف و وقت‌گذرانی) پدیده‌هایی هستند که آدم می‌تواند با برداشتن عینک مذهبی خود به خوبی در جوامع کنونی اسلامی مشاهده کند.

تنها انجماد تفکر دینی نیست که امروز زوال جهان اسلام را اجتناب‌ناپذیر ساخته است، بلکه اکثر کشورهای اسلامی به چنان ذهنیت مصرفی سقوط کرده‌اند که به نظر می‌رسد هیچ راه حل معنوی برای خروج از این بن بست برایشان باقی نمانده است این وضعیت نشانگر فروپاشی دینی است که دیگر هیچ پاسخ سازنده‌ای به پرسش‌های جهان‌مُدرن ندارد. بقول «اشپنگلر» نویسنده آلمانی کسی که بیش از حد از نژاد حرف می‌زند نشانگر آن است که دیگر نژاد ندارد. می‌توان گفت اسلام نژاد نیست، اما از آن جا که اکثر کشورهای نوپنیا اسلامی توانایی آن را نداشتند که به شهروندان خود یک هویت پایدار میهنی عرضه کنند به جای واژه نژاد «اشپنگلر» می‌تواند دین را به‌عنوان منبع اصلی هویت کشورهای اسلامی قرار داد. اما از آنجا که دین اسلام دیگر توانایی آفرینش نیروهای خلاق را ندارد فقط فرهنگ مقاومت برایش باقی می‌ماند، و این مقاومت معطوف به ریشه‌های عقب ماندگی خود نیست بلکه فقط در جستجوی یک مقصر و عامل خارجی است که آن را مسئول فلاکت خود شمارد.

در غرب این تصور حاکم است که اسلام بسیار نیرومند و در حال پیشروی است.... مانده در شماره‌ی آینده.

خشتک مالی ننگین دست می‌زند و بجای گفتن یک خوش آمد معمولی او را مظهرالعجائب می‌خواند. این سرلشگر آخوند صفت حتا آیه نادعلیاً را هم درست نخواند و چند واژه را جا انداخت. از همین جا معلوم شد که خامنه‌ای هم این آیه مشهور را بلد نیست و به اشتباه سرلشگر مداح پی نبرد. موضوع این نوشته درست و غلط بودن این آیه‌های گول‌زننده و جفنگ نیست بی‌غیرتی و حقارت و پستی آن سرلشگر است که خودش و کل ارتش را مانند یک بُز زیر پای یک آخوند شیاد قربانی می‌کند و هیچ ارزش و آبرویی برای نظامیان زحمت‌کش و فداکار باقی نمی‌گذارد. مداحی شرم‌آور این سرلشگر حمال را برای روضه خوانی که با فریب و تقلب به مقام رهبری کشور رسیده است نباید گذاشت بدست فراموشی برود.

در اینجا بد نیست کراماتی را که به این آیه، آیه‌ای که سرلشگر مداح پیش پای خامنه‌ای آن را خواند نسبت داده‌اند با نثار پوزخندی به آل عبا پیشکش کنیم. علامه مجلسی در زاد المعاد می‌نویسد «خواندن دعای ناد علی هفتصد خاصیت دارد، اگر کسی را مشکل مهمی پیش آید این آیه را هفت بار بخواند حاجت او برآورده می‌شود. برای فزونی مال و ثروت روزی ۹ بار آن را بخوانید. اگر روزی پانزده بار این دعا خوانده شود بدهی و قرض شما ادا می‌شود. اگر کسی دعا را همیشه همراه داشته باشد خداوند او را از شرّ جمیع حیوانات و انس و جن در امان خواهد داشت.

سرداران و سرلشگرهای خشتک مال را باید رسوای خاص و عام کرد تا وسیله‌ی تنبه دیگران و همقطاران‌ش گردد.

بدترین نوع بشر انسانی است که اعتقادش زیاد فهمش کم باشد
ش - ش

به نظر شما، دینی که ۷۲ فرقه دارد، خانواده پیامبرش همه با هم دشمن هستند، امامان و رهبران‌ش در جنگ با همدیگر کشته شده و یا به دست زنان خود مسموم گردیده و به سختی جان داده‌اند. دینی که جز بدبختی و عقب ماندگی و حقارت جهانی نداشته و بیشتر مردمش در فقر و بی‌سوادی و جنگ به سر می‌برند، آیا یک دین خدایی است؟ و آیا پیروان تحصیل کرده‌ی این دین از سلامت عقل برخوردار هستند؟

این نوشته در زمان بیماری مریم نوشته شده بود

پیشکش به مریم میرزاخانای دختر جوان

تونی آته ئو

۸

«دانشمند بزرگ ریاضی جهان هم میهن ما که ناگهان خبر سرطانی شدن بدن نازنینش جهان را متأثر کرد. ما که به دعا اعتقادی نداریم اما بی تفاوت هم نیستیم»

پیروز بشی دختر، زانو زن، حتا اگر سقف آسمان کوتاهتر از قد تو شود. زانو زن حتا اگر تمام مردم دنیا روی زانوهایشان راه بروند، هرکس زانو بزند، تو زانو زن، این فلسفه زندگی و رهایی است. یک راند دیگر مبارزه کن وقتی بازوهایت چنان خسته اند که آرزو می کنی حریف مشتت دیگر به چانه ات بزند تا کار تمام شود، به عشق نیاز انسانها به تو، یک راند دیگر مبارزه کن حتا اگر خون از بینی ات جاری است و چشمانت سیاهی می رود، فقط یک راند دیگر مبارزه کن، پیروزی در راند بعدی بدست می آید، اگر به راند بعدی بررسی دیگر شکستی وجود ندارد. فقط یک راند دیگر، یک راند، یک راند....

کرسی اسلام شناسی یا ایران شناسی؟

دکتر رامین پرهام

مشکل ایران خط فقر نیست. خط فهم است در میان روشنفکران ایرانی. امید ما این است که نسل جوان سکان امور را به دست گیرد و ظرف ده سال آینده بتوانیم از شر این نظام، یعنی از شر این فرقه فاشیست جعفری راحت شویم و اندیشه‌ی ایرانی را بجایش غالب گردانیم. این جایگزینی نسلی و فکری تنها امیدی است که به همراه نبوغ فرهنگ ساز ایرانی اوضاع را درست کند. در این راه باید اندیشه ایرانی و کرسی های ایران شناسی را بجای کرسی های اسلام شناسی که در دانشگاههای خارجی به راه انداخته ایم عوض کنیم. (از مصاحبه تلویزیونی دکتر پرهام)

برگردان محمد خوارزمی

شکاکین به خدا (۳)

مسیح هیچگاه یک کلمه از کتاب انجیل را خودش ننوشت، حتا یک کلمه. گفته شده است که او فقط یکبار خم شد و چیزی روی شن نوشت که آنهم نگهداری نشد. او هرگز به کسی نگفت که یک کلمه بنویسد، او هرگز به نویسنده انجیل Mathew نگفت که این یا آن مطلب را بخاطر داشته باش یا به نویسنده دیگر انجیل بگوید Luck اطمینان داشته باش فلان موضوع را بنویسی، و یا به Jhon دیگر نویسنده انجیل چیزی در این مورد بگوید.

آیا شگفت انگیز نیست موجودی که نماینده خدا و از دنیایی دیگر آمده باشد امضای خود را زیر نوشته ها و گفته های خود نگذارد، آیا شگفت انگیز نیست که دستوری برای حفظ و نگهداری پیامهایش را هم نداده باشد، پیامهایی که نجات و صلح دنیا به آن بستگی دارد. پرسش مهم دیگر این است که چرا یاران و حواریون مسیح کتاب را به زبان یونانی نوشتند در حالی که آنها فقط هیبرو Hebrn می دانستند

حیوان ها خدا ندارند. آنها با هوش تر از این حرف ها هستند که خود را گرفتار کنند. رونی اسنو

کاش مسلمان ها بجای مومن تر شدن (در ماه رمضان) مهربان تر می شدند. (در تمام سال) بردیا

جوانان، ای جوانان ارزشمند ایران

بوی الرحمن رژیمن همه جا به مشام می رسد، این رژیمن به یک تیپا بند است که سرنگون شود، به یک همت همگانی نیاز دارد که فرو ریزد برای رسیدن به آن روز فرخنده باید از همین امروز گامی را بردارید، یک روز را هم نمی توان از دست داد و کار را به فردا موکول نمود، هر تن از شما به همراه یک دوست مطمئن می توانید نقطه آغاز همبستگی همگانی را پی ریزی کنید، دوست دوم شما نیز به دنبال اضافه کردن یک دوست مطمئن دیگر باشد و در زمانی که هنگامه ای رخ داد با همدیگر تماس بگیرید که خود را به دیگران برسانید. خطرناکترین کار امروز شما بیرون آمدن از بی تفاوتی است اگر بی تفاوت به انتظار ناجی نشسته اید ناجی شما نیست، مهدی موعود شما نیست، معجزه زندگی شما نیست، خود را باور کنید و بپا خیزید، رژیمن فاسد و پوشالی به یک دگنک و تیپای شما بند است که از صحنه زندگی بیرون رود، از همین ساعت دست به کار شوید پیروزی از آن شماست.

انقلاب سال ۵۷ نشان داد چند در سد ایرانی ها عاشق ایران و چند در سد عاشق اسلام اند. متأسفانه چون عاشقان اسلام تعدادشان بیشتر بود آنها در انقلاب برنده شدند. افشین مهرآسا

مسلمان‌ها جن را قبول دارند

مسلمان‌ها جن را قبول دارند و گرنه مسلمان نیستند. در قرآن سی و چهار بار نام جن آمده است. حتا نام یک سوره را «جن» گذاشته‌اند. در قرآن در تشریح جنس جن‌ها، جن‌ها را نر و ماده می‌داند. انسانها از خاک و جن‌ها از آتش آفریده شده‌اند! قرآن می‌گوید جن‌ها هم به بهشت یا جهنم می‌روند، طبق آیه ۱۷ سوره انعام، جن‌ها هم مانند انسان نمی‌توانند کتابی بهتر از قرآن بیاورند! جهنم قرآن پُر از انسان و جن‌هاست. خواندن سوره ناس برای دفع جن خناس مؤثر است. یکی از وظایف جن، ممانعت بیدار شدن مسلمانان در صبحگاهان است که نماز نخوانند، جنی هست که انسان را می‌رباید. در قرآن آمده گاهی می‌شود که جن وسایل شخصی افراد را می‌دزدد جن‌هایی هستند که به صورت بعضی مسلمان‌ها بول می‌کنند و شادی می‌کنند. به جتنی که شیر و خبیث باشد شیطان می‌گویند. اگر شما جن را قبول ندارید اصلاً مسلمان نیستید.

سیامک مهر (پور شجری)

برای آنان که چون من چشم انتظار مرگ اهریمنند

اسلام جنایتی است فرا تاریخی و فرابشری که از جنس این دنیا نیست. عقاید اسلامی خرافه پرستی، عباداتش بیماری، احکامش توحش و آموزه‌های اخلاقی‌اش شیادی و کلاهبرداری است. اسلام جرم است و باید غیرقانونی اعلام شود.

هدف قرآن سکوت انسان و هدف اسلام سقوط انسان است. آزادی را هیچ مسلمانی نه می‌فهمد، نه می‌خواهد و نه می‌تواند تحمل کند. هیچ مسلمانی به این حقیقت آگاه نیست که چه عفریته تباه‌اندیشی را درون خود حمل می‌کند. مراقب کودکان خود باشید، هرکس به درون چاه اسلام سقوط کرد هیچ امیدی به نجاتش نیست. دهان آخوند برای بستن دهان دیگران باز می‌شود. شهید یعنی آدم‌کش مُرده، جامعه اسلامی یعنی جامعه‌ای زیر خط جهل، ایران اسلامی یعنی ایرانی که توسط اسلام بلعیده و بی سیرت شده است. چهارده قرن است که ما ایرانی‌ها با اسلام جنگیده‌ایم، بنظر می‌رسد پیروزی نزدیک است.

زنان و یک شغل نان و آب دار

طبق گزارش رسانه‌های رژیم اسلامی، در حال حاضر ۵۰۰ مدرسه علمیه مخصوص زنان وجود دارد و تعدادی دیگر در حال احداث است! (احتمالاً این یکی از ایجاد شغل‌های وعده داده شده توسط آقای روحانی پیش از انتخابات است). سیما دختری است که در پانزده سالگی دیپلم‌اش را گرفت و کاری پیدا نمی‌کرد، روزی در مقابل دکه روزنامه‌فروشی آگهی نامنویسی دعوت از زنان برای حوزه علمیه را دید و از سرناچاری و بیکاری به آدرس داده شده رفت و ثبت نام کرد. سیما به خبرنگار می‌گوید اگرچه اطلاعات مذهبی چندانی نداشتم اما پذیرفته شدم و ۵ سال در حوزه علمیه مشهد تحصیل کردم تا بتوانم مدرک رسمی یک حوزه را بگیرم، پس از دو سال تحصیل شک و تردیدهای من نسبت به مذهب بیشتر شد و بجایی رسیدم که کاملاً دین را از زندگی خود کنار گذاشتم، اما برای دریافت مدرک و داشتن یک شغل، تحصیل در حوزه را ادامه دادم. اگر زنی سه دوره حوزه را ببیند از داشتن مرجع تقلید بی‌نیاز می‌شود و تنها شغلی که بدست می‌آورد کار در دفترخانه‌های ثبت طلاق و ازدواج است و سر دفتر شدن. بُردن زوار زن به حج، تبلیغ به شیعه شدن زنان سنی در زمان حج، روضه خوانی در مراسم سفره انداختن، آموزش کودکان برای خواندن قرآن، پاسخ داؤن پرسش‌های شرعی زنان و جوانان و مانند این‌ها مشغولیات این رشته از علوم اسلامی است که کوچکترین سودی برای کشور و مردم ندارد.

آخوند عبدالله نوری نماینده روح‌اله خمینی در سپاه پاسداران که در زمان ریاست جمهوری خاتمی وزیر کشور گردید، در خاطرات خود نوشته، ما جهت تخریب رژیم شاه‌گاہ احساس می‌کردیم که یک شهید را ده برابر کنیم. پس از رخداد ۱۷ شهریور میدان ژاله به شهید بهشتی گفتم شما چرا در بیانیه تعداد شهدا را کم نوشته‌اید، باید تعداد را ده برابر می‌کردید که ایشان در جواب فرمودند آقای نوری شهدای ژاله این تعداد هم که اعلام کردیم نبوده است.

ستون دین اسلام دروغ است نه نماز.

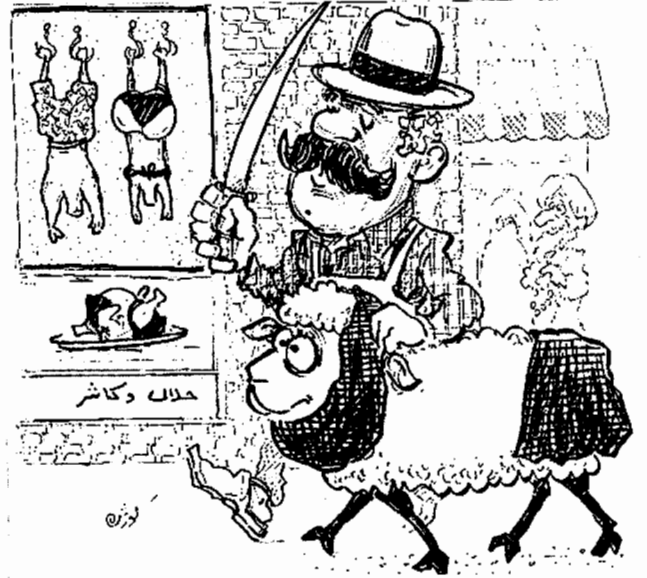
مجازات بی تفاوتی نسبت به امور عمومی تحمّل حاکمیت
انسانهای پلید است. افلاطون

دفاع از هیچ دینی طبق موازین عقلانی مقدور نیست، بلکه باید از راه تبلیغ و در صورت لزوم با توسل به زور و جنگ آن را تحمیل نمود.
برتراند راسل

خداوند حکیم و دانا و تقویم های گوناگون در دین های ابراهیمی

خداوند حکیم دانا و آفریننده کائنات یا از همان آغاز کار روزهای سال را خودش هم نمی دانست یا فراموش کرده بود به پیامبرانش وحی کند. و مومنان ناچار شدند با توجه به اطراف خود و آگاه شدن به گردش ماه هر ماه را ۲۸ روز انتخاب کنند. که با یک حساب سرانگشت می بینیم تعداد روزهای سال ۳۶۵ روز نمی شود و بهمین جهت است که ماه رمضان و همه روزهای مذهبی گاهی به تابستان و گاهی به زمستان می افتند.

یهودیان که در ابتدا از سال های قمری استفاده می کردند، زمانی که گره در کارشان افتاد مصلحت دیدند هر چهار سال دو ماه به تقویم اضافه کنند. پس بنابراین اختلاف سالروزها از حدود ۲ ماه تجاوز نمی کند. جالب است که کشورهای اسلامی و اسرائیل برنامه ریزی های بین المللی خود را بر اساس تقویم میلادی تنظیم می کنند. نکته در تمام ادیان در مورد این که سالها ۱۲ ماه داشته باشند به توافق رسیدند که ناگهان خداوند حکیم دانا متوجه می شود که اگر هر سال ۱۹ ماه باشد بهتر است و هر ماه هم بجای ۳۰ روز ۱۹ روز شود خیلی بهتر است! و اگر جمع روزها به ۳۶۵ روز نرسد اشکالی ندارد. به دلیل همین تغییر عقیده بود که در زمان قاجاریه پیامبری را از ایران برگزید بنام بهاءالله که پیام های خداوند حکیم را به گوش بقیه برساند و گاهنامه و سالنامه و ماه و سال را در هم بریزد.



اعلامیه جمهوری اسلامی

«دشمن با هر وسیله ای و منفذی به جوانان ما دسترسی پیدا می کند. اخیراً مشاهده شده است که در برخی از قصابی ها و سوپرگوشت ها، لاشه های گوسفند بدون رعایت مواضع اسلامی و حجاب جهت تشویش اذهان عمومی و به فساد کشیدن جوانان، پشت ویتترین قصابی ها به نمایش گذاشته می شود.» با این ترتیب به زودی جمهوری برآستی اسلامی دستور خواهد داد.

۱- نمایش هرگونه «پاچه» ی بدون پشم ممنوع است.

۲- نمایش «ران لخت گوسفند ماده» ممنوع است.

۳- نمایش «سینه» ی مرغ چاق و تپل مپل ممنوع است.

۴- نمایش «دنبان» و «دنبه» اکیداً ممنوع است

۵- نمایش هرگونه خلل و فرج و سوراخ در لاشه های هر حیوان ممنوع است. در صورت لزوم با پوششهای اسلامی پایین تنه حیوانات پوشیده شود. قصابی قصاب های متمرد بسته خواهد شد.

نامه ای لبریز مهر با خطی زیبا

سیاوش خوب و با همت را عشق است، ارادت مرا به یک یک خانواده بیداری برسانید. زنده باشی سیاوش جان، جانِ جانان. آرزوی من، آزادی ایران و به هر سو رفتن بیداری فرزند همه ی مردم دانا و خردمند است. «بیداری» فرزند همه ی مردم ایران است.

زنده باشی - مرتضامیرآفتابی

استاد ما در این روزهای سخت زندگی که پوست و استخوانی از او بجای مانده و چنگال خانمانسوز سرطان رهایش نمی کند حوصله زیادی برای نوشتن ندارد اما به عشق آزادی آگاهانه ی مردم میهنش دلش می خواهد که برای «بیداری» تا آخرین نفس بنویسد، به سختی با دستی لرزان و تنی کم جان.

از هستی جانبخش برایش آرزوی تندرستی و دلخوشی داریم. دکترجان از مهر فراوانت به این چند برگ بی اندازه سپاسگزاریم.

اسلام دین صلح است

اسلام دین صلح است پس از هر شکستی که می خورد!

اسلام دین صلح است اگر زور طرف مقابل خیلی پُر زور باشد!

اسلام دین صلح است چونکه همیشه در حال جنگ است!

اسلام دین صلح است هرگاه از جنگیدن خسته شود!

اسلام دین صلح است به شرطی که باج اش (جزیه) را بگیرد!

اسلام دین صلح است به زور جام زهر!

دین صلح بودن اسلام علامتی است که بدانیم اسلام اهل جنگ

است! اگر مسلمانان بگویند اسلام دین صلح است یا دین اش را

نمی شناسد یا معنی صلح را نمی فهمد!

دکتر مرتضامیر آفتابی

آتش به اختیاریم ما کژدمیم و ماریم

سرانجام با درایت رهبر متمدن جمهوری اسلامی ایران قانون مترقی آتش به‌اختیار که به‌همت بزرگ مردانی چون آیت‌اله العظمای نواب صفوی، حجت‌الاسلام میرزا رضا کرمانی، علامه بزرگ سعید طوسی قاری قرآن، استاد سید مرتضوی، حاج سعید امامی مظلوم و نادره دوران نماینده خداوند در روی زمین حاج صادق خان خلخالی.... قبلاً اجرا شده بود رسماً به ملت شهیدپرور و شهید ساز مسلمان ابلاغ گردید و باعث شادی صنف اسیدپاش‌ها، قاریان قرآن، مداحان فحاش، پاسداران و بسیجیان شرور و بی وجدان، باجگیران و زورگیران و امر به‌معروف کنندگان عقده‌ای و گشت‌های ارشاد گردید. و این جانبازان همیشه در صحنه بدون فوت وقت مأموریت‌های خدایی خود را در اینجا و آنجا آغاز نمودند و ملت ایران را پس از سالها درد و رنج شادمان نمودند. خود آیت‌اله خامنه‌ای فرمودند، ما صنف دینمداریم - بیم از کسی نداریم - فکر کردید که خیاریم - آتش به‌اختیاریم - مشغول حبس و اعدام - درلیل و درنهاریم - با ظاهری فتاده - ما ختم روزگاریم - ما کژدمیم و ماریم - آتش به‌اختیاریم.

شعارها

* آنها که هر روز در نماز می‌گویند «علی ولی الله»، یعنی «علی سرپرست الله است» از اعراب سازنده اسلام هم فرومایه‌ترند.

دکتر بهرام وزرا

* بزرگترین اشتباه نیاکان ما این بود که کاسه‌ی آتش‌تراز داغ شدند و اسلام را در ذهن مردم خود نهادینه کردند، و گرنه اعراب تنها دویست سال در ایران حکومت کردند، پس از رفتن آنها، این نیاکان ما بودند که اسلام را دودستی نگهداشتند و این زشتکاری تا به امروز ادامه دارد
دکتر لطف‌اله روزبهانی.

* مسلمانها در مساجد، بیشتر از اینکه فکر خدا باشند، فکر کفش‌های خود هستند تا مسلمانی آن‌را نندزدند! ایرج میرزا

الماس را جز در زمین و حقایق را جز در اعماق فکر نمی‌توان
کشف کرد.
مارک تو این

اندیشمندان ایران ما در باره اسلام و آخوند چه می‌گویند

آیا ما شنیده بودیم و یا خوانده بودیم که ایرج میرزا، آخوند و روضه‌خوان و آیت‌الله را از خر بدتر می‌دانست؟
«از آن گروه، روضه‌خوان، چه خواهی که، از هر هزار نفر اقلن دویست نفر روضه‌خوان خر دارد - دویست دیگر جن گیر و مرشد و رمال، دویست واعظ از روضه‌خوان بتر دارد.» آیا باور کردنی است که سرزمینی چون ایران ما با این همه اندیشمندان نویسنده و نخبه، خران بر آنها حکومت کنند؟
در دویست سال گذشته ما اندیشمندان بزرگی داشته‌ایم که از بزرگترین آنها میرزا آقا خان کرمانی و میرزا فتحعلی آخوندزاده بوده‌اند و شگفت است که همه‌ی متفکران ما، اسلام را دینی پوسیده، وحشی، عقب مانده و مخرب و فقیه و آخوند را دزد و جنایتکار دانسته‌اند. میرزا آقا خان کرمانی این اندیشمند بزرگ، اسلام را درختی خشکیده و استخوانی پوسیده می‌داند. نگاه کنید به کتاب اندیشه‌های میرزا آقا خان کرمانی از فریدون آدمیت صفحه ۱۴۳، میرزا آقا خان یک نابغه، یک جامعه‌شناس، یک متفکر بزرگ بود او رمانی هم نوشت و به زین‌العابدین مراغه‌ای داد و او این رمان را به نام خودش منتشر کرد! بقیه دارد.

نور به قبر مخترع کولر ببارد که اگر او نبود ما ایرانی‌ها گرما را مشیت‌الهی می‌نامیدیم و ادعا می‌کردیم خداوند با گرما می‌خواهد ما را امتحان کند! می‌گفتیم فصل مبارک تابستان آمد تا به یاد مردم مظلوم آفریقا کمی گرما بخوریم. نماز و دعای مخصوص گرما می‌ساختیم و به نمازهای دیگرمان اضافه می‌کردیم، ملت مسلمان که نمی‌خواهد کوه بکند یا به گروهی ماه برود، از بیکاری جز دعا خواندن چکار کند، ساده‌ترین و آسانترین کار فکر نکردن و دعا خواندن است دعایی می‌ساختیم که اگر کسی آن را بخواند و در گردن آویزد و در خانه تابلو کند تحملش در گرما زیاد شود و دلش خنک شود. هرکسی هم خنک نمی‌شد می‌گفتیم دعایت را با خلوص نیت و ایمان کامل نخواندی؟

دکتر دانا شیرازی

به یمن اسلامی شدن حکومت ایران

در نظر گرفتن زمان مولوی

گسترده ترین بنگاههای روسپیگری از زنان و دختران ایرانی در تفلیس در پوشش کلپ شبانه به مشتریان خود به ویژه به توریست‌های ایرانی سرویس می‌دهد. به گزارش خبرنگار قزاقستان در شهر تفلیس ۱۷ روسپی خانه ایرانی فعال هستند. خبرگزاری آریا نزدیک به موفقه اسلامی ایران گزارش می‌دهد، اخیراً حضور زنان معلوم‌الحال! ایرانی در کاباره‌ها و اماکن معروف شهرهای بزرگ چین به نحو چشمگیری افزایش یافته است.

در وبگاه دیدگاه آمده است، ششم خرداد دختران و زنان و پسران ایرانی در فجیره است! و اخیراً ۵۴ دختر ایرانی برای بردگی جنسی جذب یکی از کشورهای عربی شده‌اند. تاکنون چند تن از این دختران که به وعده‌های داده شده به آنان عمل نشده دست به خودکشی زده‌اند.

مدیرکل دفتر بررسی‌های حقوقی معاونت امور زنان در دولت روحانی اقرار کرده است، دولت یازدهم مصمم است از قاچاق زنان جلوگیری کند! این اقدام گویای حضور روزافزون روسپی‌های ایرانی در کشورهای گوناگون است. سایت عارف نیز نوشته، هم‌اکنون دختران بین ۱۴ تا ۲۰ سال ایرانی بیشترین خریداران را در کشور امارات متحده عربی به خود اختصاص داده است. فروغ اسدپور از فعالین حوزه‌ی زنان می‌گوید، فقط ماهانه ۴۵ دختر ۱۶ تا ۲۵ ساله ایرانی در کراچی توسط افراد ثروتمند خریداری می‌شود.

طبق پژوهش انجمن دفاع از قربانیان خشونت، قاچاق دختران ایرانی عمدتاً از دو مسیر پاکستان و امارات، جنوب خلیج پارس در سنین ۱۰ تا ۱۶ ساله در مناسبت‌های عید فطر و قربان در مراسمی بنام «حلقه» به فروش می‌رسند.....

در پاسخ به نوشته‌های جناب مهرآسا در بیداری. باید در نظر داشت که گفته‌های مولوی بیش از ۸۰۰ سال پیش در یک محیط تعصب آلود اسلامی گفته شده نه در ساحل اقیانوس آرام در جنوب کالیفرنیا. بک پرفسور فرانسوی گفته، من عمرم را وقف ادبیات فارسی ایرانی کردم و برای این که به شما اساتید و روشنفکران جهان توضیح دهم که این ادبیات عجیب چیست چاره‌ای جز یک مقایسه ندارم و بگویم که ادبیات فارسی بر چهار ستون اصلی استوار است. فردوسی - سعدی - حافظ - مولانا.

فردوسی همسنگ هومر یونانی و برتر از او، سعدی، آناتول فرانس و داناتر از او، حافظ قابل قیاس با گوته آلمانی که گوته خود را شاگرد حافظ می‌شمارد. اما مولانا، در جهان هیچ چهره‌ای نیافتم که بتوانم مولانا را به او تشبیه کنم، او یگانه است، او فقط شاعر نیست جامعه‌شناس و روانشناس است که ذات بشر و خداوند را دقیق می‌شناسد. قدر او را بدانید و به وسیله‌ی او خود و خدا را بشناسید. دکتر دانا شیرازی به همراه نامه‌اش شعری را هم که در اینترنت زیر اظهار نظر آن پرفسور فرانسوی بوده است (احتمالاً آن را نخوانده که متوجه شود شعر نیست و پرت و پلاست همراه کرده بود) چند بیت از آن را می‌بینید.

باران که شدی مپرس این خانه کیست - سقف حرم و مسجد و میخانه یکسیت - باران که شدی پیاله‌ها را شمار - جام و قدح و کاسه و پیمانه یکسیت - باران، تو که از پیش خدا می‌آیی توضیح بده عاقل و فرزانه یکسیت - از قدرت حق هرچه گرفتند به کار - در خلقت حق رستم و موریانه یکسیت....

خبر بد برای مسلمان‌ها

مسلمانها اگر سر پیری بپذیرند دیگر نمی‌توانند با حوری‌ها سکس داشته باشند، مگر این که آنها در کفن خود به اندازه کافی قرص و یا گرا ببرند! فقط مسلمانهایی می‌توانند از زندگی جنسی بهشت بهره بگیرند که جوانمردگ شوند! تنها مشکل این است که مسلمان جوان در زندگی خود آنقدر کار خوب نکرده است که بهشتی شود و به حوری برسد! با این وضع ناامیدکننده مسلمانها همه ول معطلند و آخوندها حسابی گولشان زده‌اند و زندگی این دنیایی خودشان را ساخته‌اند، آنها بدون کوچکترین زحمت و کاری در زندگی همه چیز بدست می‌آورند و خیال پوچ بهشت را هم برای مسلمانان گذارده‌اند. عباس جهانگیری

اگر کوسه‌ها عقل داشتند (به زرنگی محمد بودند) بی شک مذهبی اختراع می‌کردند و به ماهی‌ها وعده می‌دادند که زندگی واقعی در شکم کوسه‌ها آغاز می‌شود! بر تولد برشت

تو که با دین و ایمان هستی اما اسلحه می‌فروشی، مواد مخدر می‌فروشی، جنگ راه می‌اندازی جنگ می‌کنی، دروغ می‌گویی به صلیب می‌کشی، بالای دار میبری، گردن میزنی آن وقت به من که هیچ کدام از این جنایت‌ها را انجام نمی‌دهم می‌گویی، کافر و بی‌دین گناهکار! مسخره نیست؟

؟؟

دکتر محمد علی مهر آسا

غوری در مثنوی هفتاد من کاغذ مولانا! و پاسخ به دکتر دانا شیرازی

کرده است، به گرد پای این بزرگان ایرانی نیز نمی رسند. گوته خود را شاگرد کوچک حافظ اعلام کرده است.

چهارم - این که ۲۵۰ سال پیش از مولانا زکریای رازی با صدای بلند اعلام کرده است: «تمام پیامبران شیادانی بیش نیستند. و عمر خیام نیشابوری در همین محدوده تاریخی آن اشعار کفر آمیز را سروده است» که چندین سده پیش از مولانا است. پس بیان حقیقت هیچ ربطی به زمان و مکان ندارد و روشنفکر باید حقایق را واضح به مردم بنمایاند و سخن شما که مولانا مال ۸۰۰ سال پیش است منطقی ندارد.

پنجم - مجبورم از سعدی مثالی بزنم که داستانی دارد در بوستان و می فرماید:

یکی در بیابان سگی تشنه یافت

برون از رمق در حیاتش نیافت

کله دلو کرد آن پسندیده کیش

چو جبل اندر آن بست دستارخویش

می دانیم که سگ در نزد مسلمانان نجس است. ولی آن مرد پسندیده کیش و مذهب، سگ را نجس نمی شناخته و با کلاه و دستارش از چاه آب کشیده و جلو سگ نهاده و سگ را از تشنگی نجات داده است. این نظر سعدی بزرگوار است که در همان حدود زمان مولانا می زیسته است؛ کسی را که کلاه خود را کاسه آب سگ کرده است پسندیده کیش می گوید: و اما بنگرید مولانا نسبت به دیگرانندیشان چه لطف و عنایتی دارد!!

بقیه داستان مثنوی از شماره پیشین:

آن جهودسگ بین چه رای کرد پهلوی آتش بتی بر پای کرد!

این کمال تعصب و خشک اندیشی این ملای رومی را نشان می دهد؛ آوردن واژه «جهودسگ» بسیار کاری نا انسانی و دور از شرافت است. و کاملاً نشان می دهد که ملای رومی مردم را بر حسب دین شان به خوب و بد تقسیم کرده است. مولانا در کتاب مثنوی اش، قهرمان دروغگویی است. چندان دروغ به هم بافته است که هرکس اندیشه‌ای در ادبیات بکند به روشنی آن را در خواهد یافت. من متعجبم چگونه این مردم درک این نقیصه را نکرده‌اند. در ضمن، نظم مثنوی چنان سست و بی مایه است و قافیه‌ها اغلب غلط و ناهمگون و یا به شدت تکراری‌اند که هر ادیبی به این نقصان پی می برد. نگاه کنید به این بیت:

هرکجا آب روان، سبزه بود هرکجا اشک روان رحمت شود!

ادامه دارد.

یکی از نویسندگان فاضل اما متعصب نشریه بیداری به نام آقای دکتر «دانا شیرازی» از راه پست الکترونیکی دومین نامه‌اش را به نام من به بیداری فرستاده است - چون حدود چند ماه پیش نیز در همین زمینه نامه‌ای فرستاده بود که پاسخ دریافت کرد؛ ولی گویا آن را نخوانده است - نامه جدیدش چنین می آغازد:

«در پاسخ به نوشته‌های جناب دکتر مهر آسا در بیداری. لطفن برای ایشان بفرستید تا اندیشه کنند. باید در نظر داشت که چنین گفته‌ها را مولوی بیش از ۸۰۰ سال پیش در یک محیط تعصب آلود اسلامی گفته نه در ساحل اوقیانوس آرام در جنوب کالیفرنیا» که اشاره و طعنه به بنده است!

«یک پرفسور فرانسوی در دانشگاه سوربن گفته است: «من عمرم را وقف ادبیات فارسی ایرانی کردم و... ادبیات فارسی بر چهار ستون استوار است؛ فردوسی، سعدی، حافظ و مولانا که فردوسی همسنگ هومر است و سعدی به سان آنا تول فرانس؛ حافظ با گوته قابل قیاس است، اما در جهان هیچ چهره‌ای نیافتم که بتوانم مولانا را با او مقایسه کنم...» بعد یک غزلی را برای تنبّه من ضمیمه کرده است که هجویات و ترهاتی بیش نیست و معلوم نیست کدام فلک‌زده‌ی خود شاعر تصور کرده‌ی بی آن را سروده است. این غزل چنان سست و سخیف است که من حاضر نیستم صفحات نشریه را با آن پُر کنم. تنها یک بیتش را که نمونه خروار است می آورم و خود داوری فرمایید:

بردگه او چونکه بیفتند به خاک

شیر و شتر و پلنگ و پروانه یکیست

جف القلم...!!!

نخست بگویم که این غزل سست و اراجیف نیز از مولوی نیست. دوم - من بیش از چندین دهه است که در محتوای دین‌های آسمانی اندیشه می‌کنم و به درستی دریافته‌ام که خدایی وجود ندارد و پیامبران دروغگویان زمان خود بوده‌اند که برای رسیدن به شهرت و سلطنت خدایی لا وجود و ندیده را ساختند و جای بت‌های زمان که قابل دیدن بودند گذاشتند و مردم را با شمشیر به دروغ هایشان عادت دادند. یعنی خدا خلق کننده نیست بل خدا، موهومی خلق شده است.

سوم - اگر این سخن از زبان آن شرق شناس فرانسوی بازگو شده است درست و واقعی باشد، من می‌گویم هیچ یک از آن بزرگان و ادیبان فرنگی که آن فرانسوی به فردوسی و سعدی و حافظ تشبیه

نامه های وارده

* از بس محمد زن ها را به هیچ گرفت او را توسط آب رختشویی از پشت بام خیس کردند و خاکروبه به سرش ریختند. او هم در قرآن زن ها را بی عقل و مورد ستیز قرار داده است.

کانادا- ریچارد

* روز نسل کشی آرامنه داریم، روز نسل کشی یهودیان داریم اما روز نسل کشی اعراب از ایرانیان را نداریم، چرا؟ شهلا
* من برای یکماه رفته بودم ایران، در هر منزلی دوسه جوان بیکار دیدم، بیکاری ها باعث شده جوانها از روی اینترنت در مورد تاریخ و اسلام به آگاهی های جالبی برسند. در باره سیاست کشورهای غربی به ویژه آمریکا زیاد می دانند. در آنجا هم جوانها را در دو دسته مخالف و موافق ترامپ دیدم جوانها روزها می خوابند، شبها تا صبح بیدارند و میروند بیرون دنبال تفریح، نسل جدید قد بلندتر و زیباتر شده اند، زور حکومت دینی به دو قشر نرسیده زنها و جوانها، روضه خوانی در منازل تقریباً منسوخ شده، مردم لای قرآن را خیلی کمتر از گذشته باز می کنند، سوره ی نسا آبرویی برای قرآن باقی نگذاشته آن را همه می دانند. زنها هم از بی عدالتی قرآن در مورد خودشان آگاه شده اند ولی فشار جامعه مذهب زده ی متعصب هنوز خیلی زیاد است، رفته رفته آنها هم در حال تغییر هستند. کشوری ثروتمند و مردمی خونگرم داریم، افسوس که مسیر زندگی آنها در سال ۵۷ به بیراهه رفت.

مهندس - ص
* در پمپ بنزین فراموش کردم پاره کاغذ مچاله شده در دستم را درون ظرف اشغال بیندازم، خواستم به کف اتومبیل بیندازم دلم راضی نشد، از خیابان های مسکونی و خلوت در تاریکی شب رد می شدم فکر بیرون انداختن آن از پنجره به سرم زد اما چیزی اندرون من نهیب میزد که خیابانهای به این تمیزی را آلوده نکنم. پیش خود گفتم این چه نیروی بازدارنده است که در سر دارم، نه پلیسی و نه شاهدی، از چه می ترسم؟ دنبال بازدارنده می گشتم یاد آموزگار بزرگم زرتشت افتادم که سرپند جاودانه ی او گوشواره ی زندگی ام شده اند پندار و گفتار و کردار نیک. براستی اگر انسان مقید به این سه پند شود به هیچ دینی نیاز ندارد و بیشتر گرفتاری های زندگی از بین می رود. خلبان - داریوش خیرخواه
* آری من یک آتئیست هستم، اما خدا ناباوری من به این معنا نیست که به چیزی باور ندارم. من به دلسوزی، مهربانی، عشق، منطق، برابری، همدری، راستی، درستی و خودم باور دارم.

اکبر غزلباش

* در پی تحریم های آمریکا، مجلس جمهوری اسلامی هم دست به تحریم های آمریکا زد و فروش آفتابه گلی، مَهر نماز نسوز، تسبیح شابدوالعظیمی، سفید آب، سنگ پای قزوین و زرشک

مشهد را به آمریکا تحریم کرد. احمد وحدانی

* من کشفی کرده ام که با شما در میان می گذارم - ابتدا بگویم بیداری مرا به راه راست در آورد و بجای خدا دوست، انسان دوست شده ام. من سه عروس و یک داماد دارم - داماد آمریکایی و مسیحی است، عروسهایم دو تا کلیمی و یک مسلمان است چیزی را که من از این عروس و داماد متوجه شدم، هرگاه که می خواهند از کس ناآشنای دیگری سخن به میان آورند، تنها عروس مسلمان من است که حتماً دین آن شخص را هم به میان می آورد، مثلاً می گوید امروز رفتم سلمانی آرایشگر یک خانم جوان مسیحی بود! یا توی فروشگاه با دو خانم بسیار خوب آشنا شدم که مثلاً مسلمان یا یهودی بودند، این عروس مسلمان ما حتماً نام دین افراد را باید عنوان کند در حالی که داماد مسیحی من اصلاً کاری به دین این و آن ندارد، کلیمی ها هم بیشتر کاری به این که دینش چه بود ندارند به ندرت بگویند کلیمی یا مسلمان و غیره بود. این نکته ی مهمی است که چرا برای مسلمانها دین دیگران مهم است؟

نکته دومی که من دریافتم و خوبی مسلمانهاست ما عروس مسلمان را برای پسر بی دین مان به راحتی گرفتیم و پدر و مادر عروس کوچکترین پرسشی که آیا داماد نماز می خواند و قرآن و محمد را قبول دارد نکردند اما سختی زیادی کشیدیم تا دو دختر کلیمی را که عاشق پسران من و پسران من عاشق آنها شده بودند به ازدواج هم در آوریم گویا برای خانواده عروس های کلیمی ما داشتن دامادی غیر یهودی مصیبتی بزرگ بود، داماد مسیحی ما هم دختر مرا که مسلمان زاده است خیلی راحت و بدون سخن گفتن از مذهب گرفت و ازدواج کردند شنیده ام بهایی ها هم به آسانی با ادیان دیگر اگر بهایی نشوند ازدواج نمی کنند.

م. معمارزاده

* یا الله ۱۴۰۰ سال به ملت ما ظلم کردی چیزی نگفتیم، میلیونها افغان را بدست برادران مسلمان کشتی چیزی نگفتیم، میلیونها انسان را برده اعراب ساختی چیزی نگفتیم، گفتی عبادت کن، کردیم. گفتی در ماه رمضان آب و غذا نخور، نخوردیم. گفتی کافران و ملحدان را بکش، کُشتیم. گفتی بنام حج مردم پول خود را تقدیم عرب کنند، کردیم. به مادر و خواهر و همسر و دختر گفتی ناقص العقل حرفی نزدیم. به پدرم اجازه دادی که در حضور مادرم سه زن دیگر داشته باشد چیزی نگفتیم. تروریست ها بنام تو آدم می کشند و تو هیچ نگفتی که کشتار بس است. و اکنون برای من معلوم شد تو بیشتر طرفدار داعش و طالبان و جنایتکاران هستی تا طرفدار مردم.

بچه افغان نوجات حفیظ بلخی

* ملتی که بجای درخواست آزادی، درخواست پخش «رینا» دارد به درد لای جرز می خورد. نادر جهانفرد

پرویز مینویی

بهشت و دوزخ

سخنان عجیب خانم وزیر

به گزارش سایت بازتاب - العالم - جهان اسلام و مشرق العالم

نظرات تکانه‌دهنده‌ی وزیر فرهنگ کشور مسلمان الجزایر در توهین و خوارشمردن ارزش‌های اسلامی موجب خشم مسلمانان شده است.

خانم خلسیده مسعودی سیاستمدار و وزیر فرهنگ و ارتباطات کشور الجزایر در کتابی که از او منتشر شده نوشته است.

تصمیم گرفته‌ام دیگر نماز نخوانم چون هرچه در قرآن گشتم چیزی راجع به خواندن پنج بار نماز در روز ندیدم، نماز خواندن و سر بر خاک نهادن بزرگترین توهین به انسان است، نماز چیزی جز عبودیت نیست و ابتکار مردم بادیه نشین عربستان بوده است، بنا بر این تصمیم به ترک نماز گرفته و سجاده‌ام را جمع کرده‌ام. خانم وزیر در جای دیگر از کتابش نوشته ترجیح می‌دهم پولم را بجای حج در احداث سالن‌های سینما خرج کنم، در مورد ازدواج نوشته، هر مرد وزنی آزاد است با ازدواج یا بدون ازدواج با هم زندگی کنند. سخنان بی‌پروای این خانم وزیر مسلمان، مسلمانان زیادی را برآشفته کرده و برخی رسانه‌ها او را خدمتگذار صهیونیسم خوانده‌اند. در یک مصاحبه با خبرگزاری فرانسه که پرسیده است آیا شما به حجاب و پوشش اسلامی نمی‌اندیشی؟ او پاسخ می‌دهد، شوخی می‌کنی، هرگز هرگز، ما زنان الجزایری برای رسیدن به آزادی تلاش بسیار کرده‌ایم.

همه باورها محترم نیستند

آنها که به نژاد برتر باور دارند، باورشان محترم نیست. باور کوکلاس کلان‌ها که سیاهان را به صلیب می‌کشیدند و نازی‌ها که یهودی‌ها را می‌سوزاندند قابل احترام نیست. آنها که با انرژی درمانی و مانند آن به جن باور دارند باورشان احترامی ندارد. باور به قمه زدن برای امام حسین یا هر شخص دیگر باوری محترم نیست. باور به ختنه کردن دختران باوری زشت و قابل احترام نیست. باوری که شاعر نامدار ایرانی مولوی دارد می‌گوید زن دستمالی است برای رفع شهوت مرد اصلاً محترم نیست. به عقیده دینی که می‌توان به زن و دختر اسیران تجاوز کرد چرا باید احترام گذاشت و سخنی نگفت، هیچ باور خرافی و زشتی جایز به احترام نیست حتی اگر آن باور ۸ میلیارد پیرو داشته باشد. جولی تنها - برنامه ساز تلویزیون میهن

هنگامی که نیاکان ما در شمال اروپا یا در بین آسیا و اروپا زندگی می‌کردند و از زمستانهای طولانی و سرد رنج می‌بردند به پرستش خورشید روی آوردند و دعا می‌کردند روزها بلندتر شده و خورشید عمودی‌تر بر سر آنها تابیده شود و با همین باور مهاجرت به جنوب را که آفتاب بیشتری داشت آغاز کردند و بخشی از آنها وارد بخشی شدند که ایران نام گرفت.

تا آن روز مردم به بهشت و جهنم نمی‌اندیشیدند، در ایران بود که روی به پرستش آتش آوردند. و در سرزمین‌های دیگر هنوز مردمانی بودند که از صدای رعد و برق، زلزله و کسوف و خسوف وحشت می‌کردند و بعضی‌هایشان از سر ترس به پدیده‌هایی مانند درخت و کوه و رودخانه و سنگ و حیوان نیایش می‌کردند و در آن زمان هم هنوز بهشت و جهنمی را تصور نمی‌کردند. در ایران زرتشت خردمند آمد و مردمان را به آباد سازی، دادگری، شادزیستی، دهشمندی و جنگ با بدی‌ها دعوت کرد و گفت بدی «اهریمن» و خوبی «اهورامزدا» با هم در جنگ هستند، اگر ما خوبی کنیم اهورامزدا پیروز می‌شود، تندرستی بر بیماری، نور بر تاریکی، سرسبزی بر خشکسالی غلبه می‌کند و تا آن زمان بهشت و جهنمی هنوز در اندیشه‌ها پیدا نشده بود. بعدها پرستی پیش آمد که اگر خوبی بر بدی پیروز می‌شود، چرا آدم‌ها پیر می‌شوند، ناتوان می‌شوند، بیمار می‌شوند و می‌میرند؟ تا این‌که برای پاسخ دادن به پرسش‌های گوناگون مردم آخوندهای زرتشی جهنم و بهشت را برای تشویق مردم به انجام کار نیک در ذهن خود خلق کردند، و گفتند هرکس که می‌میرد در آن دنیا از یک راه پل مانند عبور می‌کند که نامش پل جینوات است. اگر آدم بدی باشد اهورامزدا پل را باریک می‌کند و او به جهنم می‌افتد و اگر آدم خوبی باشد اهورامزدا پل را گشاد و پهن می‌کند تا از روی پل عبور کرده و به بهشت برسد.

در دین یهود نیز بهشت و جهنم وجود نداشت، یهودیان هنگامی که در بابل اسیر بودند با بهشت و جهنم آشنا شدند و در کتابهای متاخر یهودی است که از بهشت و جهنم نام برده می‌شود. و طبیعی است که دین‌های بعدی هم که ناقل نوشته‌های کتاب یهودی‌ها بودند در دین خود موضوع بهشت و دوزخ را جدی گرفتند و به این شکل یک توهم و خیال بی پایه و اساس در دل مردم جای گرفت.

برای درگذشت **مریم میرزاخانی** نابغه جهانی

آنکه به کمال رسیده است فاتحانه به مرگ خویش می‌میرد،

چنین مرگی بهین مرگ است.

نیچه

Thinking points for Iranian youth

The Shia mullas have always been the scourge of Iran, whether officially in power or practicing their oppressive form of theology from behind the Scenes. Now that they are the "government" they hardly bother with even the appearance of decency. They are true murderers. They oppress deceive, torture and murder anyone or any group that gets in the way of their parasitic existence.

Amil. Imani

اگر قرار است ایرانیان یک روز از سال را غمگین باشند و گریه کنند، باید سالروز حمله اعراب به ایران باشد که این حمله ایران را به خاک سیاه نشانید نه در شبی بمناسبت احیا «ب»

خدا، آنچنان ناتوان است که بنده‌ی ضعیف باید وجود او را به اثبات برساند.
سجاد جوان

بهترین راه بدست آوردن بیداری، در هر کجا که هستید، دریافت از راه پست است. تلفن بزنید فوراً فرستاده می شود

راه تماس با ما 858-320-0013
bidari2@Hotmail.com

بیداری

نشریه کانون خردمداری ایرانیان

به مناسبت روز پدر در میان جمعی بودم، سخن از پخش «اذان» در رادیو ۶۷۰ لس آنجلس بود، یکی از ایرانی ها می گفت تا رادیو می رفت سر اذان ما رادیو را می بستیم و این حالت را از چند نفر دیگر هم شنیده بودم، به این ترتیب گویا فقط خود دکتر صادق نمازیخواه شنونده اذانی است که بابت اش هر ساله پول هنگفتی به این رادیو می پردازد.

راستش را بخواهید وقتی صدای اذان را می شنوم گویی صدای فروپاشی و به کما رفتن یک فرهنگ و تمدن را احساس می کنم و صدای فریاد مستانه‌ی قومی خونخوار که به نیاکان من حمله ور شده اند. صدای رجز خوانی بیابانگردان را در بالای سر ساختمانهای ویران شده می شنوم.

صدای اذان صدای غرور نکبت آور صحرانوردان غارتگر به گوش یک ملت به زانو افتاده است اذان به گوش من صدای جیغ و فریاد دختران و پسرانی است که به زور از ایران بُرده شده و در بازارهای شام و بغداد به عرب های گردن کلفت فروخته شدند و مورد تجاوز قرار گرفتند. این صدای درد آور سیلی تلخ تاریخ است که هر ساله هنوز به صورت تک تک ایرانیان نواخته می شود. صدای جفدهاست بر روی خرابه های مدائن

Prst Std
U.S. Postage
Paid
San Diego, CA
Permit No. 2129

BIDARI
بیداری
P.O. BOX 22777
San Diego CA 92192
U.S.A